

مصادیق و شرایط تحقق کنز در عصر تشریع و عصر حاضر

جواد محمدی^۱

دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۵

پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۸

چکیده

مسئله کنز و گنج اندوزی از معضلات اجتماعی و اقتصادی است که در قدیم مطرح بوده و امروزه و در عصر حاضر نیز دامن گیر جوامع بشری است. در این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی تلاش شده است بیان مفهوم کنز و معیارها و مصادیق آن بیان گردد. این بررسی نشان می‌دهد، آیات و روایات تحریم کنز بیانگر یک چارچوب و قاعده در مورد اصلاح انگیزه‌های حاکم بر رفتارهای اقتصادی افراد در زمینه کسب ثروت و نگهداری آن است. کنز که یک رویکرد تکاثری در انباشت مال و ثروت و نتیجه‌ی آن راكد گذاشتن و خروج ثروت از چرخه اقتصاد و بی‌توجهی به مصالح جامعه است، مهم ترین معیارهای آن، بازداشتن مال و ثروت از جریان اقتصاد، عدم پرداخت زکات و سایر حقوق مالی آن، گردآوری ثروتی که جامعه به آن نیاز مبرم دارد، است. مصادیق آن را نیز می‌توان به طلا و نقره‌ای دانست که پول رایج باشد همچنین ذخیره و خروج پول نقد و خروج از چرخه اقتصاد، گردش ثروت در راه حرام و گردش ثروت در راه مباح، با وجود دستور شارع برای مصرف در جای دیگر اشاره نمود.

کلید واژه‌گان: پول، کنز، معیار اکتناز، مصادیق کنز، پس انداز.

^۱. دانش پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی (ص) العالمیه. Miqat1988@Gmail.com

مقدمه

در مورد آیه کنز یا احبار برداشت‌های گوناگون و مصادیق متعدد بیان شده و دیدگاه‌های متفاوت از سوی مفسران و اندیشمندان ارائه گردیده است. کنز در عصر تشریع، مصادیقی داشته که بیان گردیده است. در عصر جدید نیز با توجه به اینکه انواع و انحاء مال و سرمایه‌ها تغییر نموده است، اما شرایط تحقق کنز و تطبیق آنها به اموال عصر حاضر شامل طلا، نقره، اسکناس، پول‌های مجازی و... می‌تواند ما را در شناسایی مصادیق کنز کمک نماید. در این فصل لازم است آیه کنز تبیین گردیده و به دیدگاه‌های موجود در مورد آن اشاره گردد. همچنین برای شناسایی مصادیق کنز چه در عصر تشریع و عصر جدید، باید معیارهای اکتناز و گنج اندوزی به خوبی مورد بررسی قرار گیرد.

۱- مفهوم شناسی

کنز در لغت

«کنز» نامی است برای مالی که از آن نگهداری و محافظت می‌شود. کنز الشیء؛ یعنی آن چیز را جمع آوری کردم. سیوطی می‌گوید: اصل آن کلمه‌ی فارسی است. در فارسی از آن به گنج تعبیر می‌شود (سیوطی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۳۸). برخی گفته‌اند منظور از واژه «کنز» و «اکتناز»، گنج اندوزی و ذخیره نمودن مال و ثروت است. همچنانکه در زمان قدیم، طبق رسومات، نقدین (طلا و نقره) را در زمین دفن می‌نمودند و از آن به «گنج پنهان» تعبیر شده است. برخی گفته‌اند: «کنز» جمع کردن چیزی در محلی و حفظ و نگهداری آن چیز در آنجاست (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۰، ص ۱۱۸). راغب اصفهانی می‌گوید: «کنز» قرار دادن قسمتی از مال بر روی قسمت دیگر و نگهداری و حفاظت از آنها و اصل آن از: «کنزت التمر فی الوعاء» است؛ یعنی خرما را در ظرف حفظ کردم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲۷). «کنز» مالی است که در ظرفی نگهداری می‌شود و همچنین به خود آن ظرف نیز «کنز» می‌گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۳۲۱).

با بررسی گفتار و دیدگاه لغت شناسان، روشن می‌شود که مفهوم واژه «کنز»، انباشتن، راکد گذاشتن و جمع کردن لحاظ شده است. در معنای لغویین این واژه، به طلا و نقره خصوصیت ندارد و هر نوع مالی که به اینصورت انباشت و جمع شود، مصداق کنز

خواهد بود و این حرمت که در «آیه کتز» برای طلا و نقره آمده، به همان معنای لغوی است و طلا و نقره ذکر افراد غالب ثروت است و از باب مثال آورده شده و اینکه بیشتر انباشت و احتکار مال به وسیله آن انجام می‌شده است.

کتز در اصطلاح

الف) در قرآن و روایات

اصطلاح «کتز» در جای‌جای قرآن و با کاربردهای گوناگون استفاده شده است. این اشتقاق‌ها با تعبیرات؛ «یکنزون» (توبه: ۳۴)، کنزتم و تکنزون (توبه: ۳۵)، گاهی نیز به صیغه اسم مصدر (هود: ۱۲ و شعرا: ۵۸)، و در آیه دیگر بصورت جمع (شعرا: ۵۸) آمده است. کتز در اصطلاح قرآن کریم بیشتر به جنبه‌های منفی اشاره دارد. چنانکه قارون در قرآن کریم سمبل سرمایه داری مشرکانه است که همه دارایی و ثروت خود را فقط محصول عقل و دانش و تجربه و تلاش خویش می‌دانست.

جمع «کتز»؛ یعنی «کنوز» در سوره شعرا، در باره فرعون، پادشاه مصر که خود را خدا می‌خواند و در برابر رسالت حضرت موسی^(ع) ایستاد، آمده است (شعرا: ۵۷-۵۸).

آنچه که از آیات شریفه می‌توان فهمید این است که معیار و ملاک برتری و تفوق هر شخص نسبت به هم نوع خودش از نگاه قرآن و اسلام، ثروت نمی‌تواند باشد. و دلیل منفی بودن نگاه اسلام به ثروت در این آیات دو چیز می‌باشد: اکتساب آن از راه غیر حلال و نامشروع و دوم، صرف نکردن آن در راه صحیح بلکه در راه باطل و نادرست.

قرآن کریم، تنها در یک جا؛ آیه ۸۲ سوره کهف نگاه خوب و مثبت به «کتز» دارد؛ آن دیواری که متعلق به طفل یتیمی بود که پدری صالح داشتند و زیر آن گنجی برای آن دو نهفته بود، خدایت خواست تا به لطف خود آن اطفال به حد رشد رسند و خودشان گنج را استخراج کنند. با توجه به بررسی این آیات و نوع نگرش قرآن به «کتز»، اهمیت توجه به آن را روشن می‌کند. این نوع نگرش، زمانی خوب تر فهمیده می‌شود که خداوند مال و ثروت را در اختیار انسان قرار داده است تا مایه قوام حیات نوع بشر باشد، برای برپایی نظام حیات بشری و امرار معاش در اختیار انساها قرار داده است، نه اینکه مایه فخر فروشی و دل مشغولی عده‌ای شود.

ب) در اقتصاد

در اقتصاد واژه «کنز» در مفاهیمی چون «ذخیره کردن وجه نقد و عدم سرمایه گذاری آن در امور تولید و تجاری، جمع کردن بیش از اندازه مورد احتیاج اموال یا پول و حفظ آن در حالت راکد و پس اندازی که به سرمایه گذاری تبدیل نگردد، استفاده شده است (حسینی، ۱۳۸۹: ۸۴).

توتونچیان کوشش می‌نماید تا ثابت کند، عبارات «تمایل به کنز پول»، «رجحان نقدینگی» و «تقاضای پول به انگیزه سفته بازی» تعبیر گوناگونی است که در اقتصاد غرب، کینز و دیگران از مفهوم ذخیره ارزش بودن پول، داشته اند (توتونچیان، ۱۳۷۹: ۱۳۸-۱۵۲). ایشان در باره معنای واقعی که آن را در رابطه با تقاضای پول به منزله یک دارایی و به اصطلاح تقاضای سفته بازی معرفی می‌کند (همان: ۱۵۲). در کتاب اقتصاد صدر اسلام، نیز محتوای آیه کنز در صدر اسلام را تحریم خارج کردن سکه‌های درهم و دینار از جریان گردش پول دانسته است (صدر، ۱۳۷۸: ۵۹). عبداللطیف مشهور، «کنز» را به معنای حبس و تعطیل کردن مال می‌داند (مشهور: ۲۰۷). از کسانی که «کنز» را به معنای راکد گذاشتن مال و فلسفه تحریم آن را حفظ مصالح اجتماعی می‌دانند، یوسف حامد العالم (۱۹۷۵: ۶۷-۷۰) و زیدان عبدالفتاح قعدان (۱۹۹۷: ۱۵۰) است.

با توجه به این دیدگاه‌ها و نظریات، اقتصاددانان دو تعریف برای «کنز» ذکر نموده اند: در تعریف سنتی کنز، همانطور که در فرهنگ لغات نیز آمده است، به انباشتن پول و کالا و به عبارت دیگر نشت درآمد ملی و بیرون رفتن آن از جریان کل اقتصاد «کنز» می‌گویند (حسینی، پیشین: ۸۵).

اما در تعریف توتونچیان، پدیده «کنز» معنای محدودتری دارد. در این بیان، به پول نگهداری شده برای فعالیت‌های سفته بازی، «کنز» اطلاق می‌شود (توتونچیان، پیشین).

۲- نظر مفسران در تفسیر آیه کنز

عده‌ای از مفسران در تفسیر آیه کنز: «...الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (توبه: ۳۴)، معتقدند که تجمع و گردآوری ثروت و اموال و دارایی به هر میزان که باشد، در صورت پرداخت زکات آن، کنز محسوب نگردیده و از لحاظ شرعی

هیچگونه اشکالی ندارد. در اینجا به مهم‌ترین نظرات در این مورد را بررسی می‌نمائیم.

نظریه اول

با توجه به آیه مبارکه، ذخیره و انباشت ثروت و درآمد به صورت مطلق حرام است و برای اجتناب از تبعات آن باید پول و ثروت را در فعالیت‌ها و جریان اقتصاد دخیل نماییم. آنها نظریه خویش را به آیه و روایاتی که صراحت در تحریم عموم کتز دارند، استناد می‌نمایند و تنها مقداری مالی که مورد نیاز اهل خانه است را خارج از مصادیق کتز می‌دانند که از آن تعبیر به نفقه نیز می‌شود. از مهم‌ترین دلایل این دیدگاه روایتی از حضرت علی^(ع) است، که فرمودند:

«هر آنچه بیش از چهارهزار درهم باشد، کتز است؛ زکات آن پرداخت شده باشد یا نشده باشد و پایین‌تر از آن نفقه محسوب می‌گردد» (طوسی، ج ۵، ص ۲۴۷).

علامه طباطبایی^(ره) بعد از تبیین دلایل حرمت ثروت اندوزی می‌نویسد: «بعید نیست که وجوب انفاق در آیه شریفه اطلاق داشته و با عنایت به نکته‌ی که در فلسفه تحریم کتز بیان نمودیم، انفاق‌های مستحبی را هم شامل شود؛ چرا که کتز کردن اموال در واقع موضوع انفاق مستحبی را، نظیر انفاق واجب، از بین می‌برد و چنین نیست که فقط انفاق مستحبی در موردی که صلاحیت آن را داشته، ترک شده باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۶۰-۲۶۶).

مولفان «اقتصاد در فقه اسلامی، نیز از قائلان این دیدگاه می‌باشند و در این مورد نوشته اند:

«...از آیه شریفه بیش از این استفاده نمی‌شود که گنج طلا و نقره و زراندوزی و امتناع از پرداخت حقوق واجبه الهی حرام و موجب عقاب و انفاق فی سبیل الله لازم، ولی خصوصیت کمی و کیفی و شکل اجرا کردن آن بر عهده حاکم اسلامی است که در صورت مصلحت، اقدام خواهد کرد» (حسینی و قاضی زاده، ۱۳۷۰: ۲۹۹-۳۱۲).

نظریه دوم

قائلین این دیدگاه می‌گویند، اکتناز و راکد گذاشتن ثروت و پول حرام می‌باشد، اما برای رهایی از این حرمت صرف در جریان انداختن آن نیز کافی نمی‌باشد. این گردش و

نقش آن در فعالیت‌های اقتصادی باید بر اساس ضوابط شرع بوده و به معنای مصرف اموال فی سبیل الله و مورد رضایت پروردگار باشد.

دلایل و استنادات این دیدگاه در بعضی از احادیث بیان گردیده است، مانند این روایت که از حضرت پیامبر^(ص) نقل شده است: «ما برای انباشتن مال نیامده ایم؛ بلکه رسالت ما خرج کردن (صحیح و منطبق بر ضوابط شرع) آن است» (الطبرسی، ۱۳۸۵: ۳۲۱).

یا این روایت که امام صادق^(ع) فرمودند: «خداوند این اموال زیاده را به شما داده است تا در مسیری که خدا سوق داده است سوق دهید و نداده است که آن را انباشته سازید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۲).

این نظریه بیشتر مورد پذیرش اقتصاددانان مسلمان می‌باشد و دیدگاه مرحوم شهید صدر و علامه فضل الله به آن نزدیک‌تر می‌باشد.

نظریه مشهور

دیدگاه مشهور علمای امامیه و اهل تسنن این است که مطلق ذخیره درآمد، ثروت و پول و تجمیع آن، حرام نیست و منظور از انفاق فی سبیل الله، پرداخت زکات می‌باشد. ایشان به روایاتی از عبدالله بن عمر به استناد از پیامبر ص می‌پردازد که فرمودند: «هر آنچه زکاتش را پرداخته‌ای، کنز نیست هرچند آن را مدفون کرده باشی و آن چه زکاتش را پرداخت نکردی، کنز است هر چند روی زمین باشد» (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۸۳). با توجه به این روایت که مستمسک بسیاری از صاحبان این قول در نزد اهل سنت می‌باشد، ذخیره و انباشت درآمد مطلقاً حرام نیست و فخر رازی این نظریه را به بزرگان صدر اسلام نسبت داده است. این قول در مجمع البیان و تفسیر نمونه با کمی اختلاف پذیرفته شده است.

این نگرش، هرچند مشهور است اما با توجه به چند دلیل قابل خدشه و ایراد می‌باشد:

- عدم سازگاری با مفهوم عرفی «کنز».

- این تفسیر با ظاهر آیه شریفه مخالف است. ظاهر آیه کنز طلا و نقره را به صورت مطلق و بدون هیچگونه قیدی حرام و ممنوع دانسته است.

- روایات قابل استناد و موید این نگرش، ضعیف هستند.

- تنها در زکات، انفاق واجب نیست، بلکه در موضوعات دیگر مانند خمس، جهاد و غیره نیز هست.

۳- معیار اکتناز و گنج اندوزی

الف) بازداشتن ثروت از جریان در اقتصاد و بازار مالی مسلمانان

این برداشت مربوط به علمای معاصر می‌باشد و آن بازداشتن ثروت از جریان در اقتصاد و بازار مالی مسلمانان است. علامه طباطبایی مقصود از کثر پول را، بازداشتن از معاملات و تجارت در بازار مالی مسلمانان برای برآوردن نیازهای جامعه چون سیر کردن فقرا و گرسنگان، پوشاندن لباس بر آنها، درمان مریض‌ها، آزادی اسیران و پرداخت دیون بدهکاران، گره‌گشایی از سختی‌ها و مشکلات، زدودن غم‌ها و اجابت فرد مضطر و دفاع از جامعه صالح و اصلاح مفاسد اجتماعی می‌داند. در این‌صورت می‌توان گفت آیه شامل اتفاقات مستحب هم می‌شود. زیرا کثر باعث می‌گردد که موضوع اتفاقات مستحب همچون اتفاقات واجب منتفی گردد. بنابراینگاه ایشان، کثر عبارت از: خارج نمودن پول از جریان گردش در معاملات و نیازهای جامعه و راکد نگهداشتن آن است (طباطبایی، پیشین، ج ۹، ص ۲۶۰).

عده‌ای از اقتصاددانان که به موضوع نقدینگی و انباشت ثروت ورود نموده، دیدگاه و نظریه اسلام را در باره آن چنین بیان نموده اند: «اسلام از کثر و ذخیره کردن نقدینگی و خارج کردن آن از بازار داد و ستد منع کرده است؛ زیرا اساس تجارت در بازار اسلامی بر پایه نقدینگی است. شهیدصدر، نقش نقدینگی را برای [برای بازار] عامل خطرناکی می‌داند. زیرا این کار، تعادل عرضه و تقاضا را در جامعه نسبت به کالاهای تولیدی و مصرفی بر هم می‌زند... دین اسلام با ذخیره سازی سرمایه [و خروج آن از مبادلات اقتصادی] مبارزه کرده و آن را مشمول مالیات قرار داده و مردم را به استفاده از سرمایه خود در زمینه تولید و مصرف تشویق نموده است (شهیدصدر، ۱۳۷۵: ۶۲۴).

این معنی از کثر، در بازار فعلی مصداق عینی دارد و می‌توان به وضوح مشاهده کرد، به این صورت که فردی با خرید مقدار بسیار زیاد از سکه طلا و خروج آنها از بازار

اقتصادی مسلمانان موجب متشنج شدن و التهاب بازار می‌گردد و قیمت‌ها را بسیار تحت تاثیر قرار داده و مختل می‌نماید.

ب) اندوخته‌ای که زکات و حقوق مالی آن پرداخت نشده

بلاشک، اندوخته‌ای که زکات و حقوق مالی آن پرداخت نشده باشد، مصداق اکتناز و گنج اندوختن خواهد بود. این اموال چه به صورت طلا و نقره باشد یا به شکل سایر درآمدها و دارایی‌ها در ملکیت شخص باشد.. بنابراین بسیاری از مفسران انباشت و اندوختن هرگونه ثروتی را که زکات و یا دیگر واجبات مالی به آنها تعلق می‌گیرد، در صورت عدم پرداخت زکات و سایر حقوق مالی آن، کنز محسوب نموده‌اند که شرعا اشکال دارد و اگر شخص زکات مالی را که زکات به آن تعلق می‌گیرد، پرداخت نماید و بقیه را اندوخته نماید، کار او مصداق گنج اندوزی و اکتناز نخواهد بود (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۰).

روایات گوناگون، ملاک و معیار گنج اندوزی و اکتناز، جمع آوری مال و ثروت و عدم پرداخت زکات و حقوق مالی آن است. نتیجتاً ثروتی که حقوق مالی و زکات آن پرداخت شده باشد در دایره اکتناز نبوده و شارع مقدس از اینگونه تجمیع ثروت نهی ننموده است.

ج) گردآوری ثروتی که جامعه به اتفاق آن نیاز دارد

اگر حاکم اسلامی و جامعه به دلایل متعدد و شرایط خاص مانند جنگ، قحطی و... نیاز به ثروت و اموال اشخاص داشته باشد، این فرض در عمل دو صورت خواهد پیدا نمود؛

۱. در صورتی که شخص حقوق مالی واجب و خمس و زکات مال و ثروت خود را پرداخت نموده و جامعه اسلامی نیز، نیاز به کمک اقتصادی و اتفاق دارد.
۲. در صورتی که شخص حقوق مالی واجب و خمس و زکات مال و ثروت خود را پرداخته و جامعه اسلامی نیاز به کمک اقتصادی و اتفاق ندارد.

فرض دوم اگر چه در خارج و جامعه اسلامی تحقق نیافته و تحقق آن بعید بنظر می‌رسد. همیشه در جامعه افراد نیازمند، فقی و یتیم وجود دارد که نیاز به تامین مایحتاج

زندگی شان دارند و باید توسط حکومت اسلامی و افراد توانمند سامان داده بشوند. اما اگر بنابه فرض تحقق خارجی پیدا نماید، مصداق گنج اندوزی حرام محسوب نمی‌شود زیرا دلیلی بر اثبات اکتناز و حرمت آن در این مورد نمی‌باشد.

امام صادق^(ع): «آیا تصور می‌کنید در اموال شما فقط زکات واجب است؟ آنچه را خدا غیر از زکات واجب کرده، بیشتر است و باید آن را به اقوام، بستگان و نیازمندان بدهید» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۷).

امام رضا^(ع): «از رسول اکرم^(ص) پرسیده شد: یا رسول الله آیا در مال ما به غیر از زکات، حقی تعلق می‌گیرد؟ پیغمبر^(ص) فرمود: آری، کمک به خویشاوندان. هرگاه نیاز داشته باشند و دستگیری از همسایه؛ پس بدانید هر کس سیر بخوابد و همسایه مسلمانانش گرسنه باشد، به من ایمان ندارد» (همان: ۲۷).

د) مفضل بن عمر روایت می‌کند: «در محضر حضرت امام صادق ع بودم. مردی از آن حضرت سوال کرد زکات در چه مقدار از مال واجب می‌باشد؟ حضرت جواب دادند: زکات ظاهر مراد است یا زکات باطن؟ او گفت می‌خواهم هر دو را بدانم. امام فرمود: زکات ظاهر، در هر هزار دینار، بیست و پنج دینار است و زکات باطن نیز نصاب اش این است که هر گاه برادر دینی تو نیاز داشت، خود را بر او ترجیح ندهی و حاجت او را برآورده نمایی» (همان: ۳۰).

از این قبیل روایات که بر مدعای ما دلالت واضح دارد، در این باب بسیار است. گفتگوی ابوذر با عثمان در حضور کعب الاحبار و گفتگوی او با معاویه و سایرین که در کتب حدیث و تاریخی آمده، منظور ابوذر از آیه کتز، شمول مفاد آیه نسبت به ثروت اندوزان مودی زکات بوده است و وقتی که مورد سوال قرار می‌گیرد، جواب می‌دهد: «ما قلت الا سمعت من نبيهم»؛ جز آنچه از پیامبرشان شنیده‌ام، چیزی نگفته‌ام، یا گفت: «قال لي خليلي»؛ دوستم پیغمبر^(ص) چنین گفت (بخاری، ج ۱، ص ۲۴۴). با توجه به اینکه راستی و درستی ابوذر به تایید رسول خدا ثابت و قطعی است او هرگز دروغ نگفته و عین کلام رسول خدا^(ص) را در توضیح مفاد آیه ذکر کرده است. همچنان که از عموم آیه کتز این استفاده قابل برداشت است.

۴- مصادیق کنز

الف) مصادیق کنز در عصر تشریع

از دیدگاه قرآن کریم و روایات، خارج نمودن پول و ثروت و طلا و نقره از مسیر مرضی خداوند تبارک و تعالی، کنز محسوب می‌گردد و خداوند مردم را از آن نهی فرموده است. آنچه که صراحت در حرمت دارد و از مصادیق کنز محسوب می‌گردد و انجام دهنده آن را وعده آتش جهنم و خلود در آن داده است، طلا و نقره است، که پول رایج آن عصر بوده است. اما از آنجا که احکام شرع مقدس اسلام تابع مفاسد و مصالح واقعی و خصوصیات مورد در ملاکات احکام مداخلت ندارد. بنابراین الغاء خصوصیت نموده و این مفهوم برداشت می‌شود که آنچه مورد نظر شارع در گنج‌اندوزی حرام، است که افراد پول و اموال و ثروت را در یکجا تجمع نموده و راکد بگذارند و با اینکه جامعه نیاز به آن دارد، آن‌ها را پنهان می‌نمایند و حقوق خدا و مردم را نادیده می‌گیرند (موسوی و عیسوی، ۱۳۹۴، ش ۲۱۸، ص ۷۹).

بنابراین اینگونه اعمال و اکتناز و پنهان نمودن پول و ثروت و عدم ادای حقوق مالی آن نسبت به خداوند و افراد اکتناز محسوب می‌گردد، خواه به صورت طلا و نقره باشد یا به اشکال دیگر، خواه آن را مدفون در زمین کرده باشند یا سرمایه گذاری در بانک‌ها و دیگر موسسات مالی. زیرا آنچه در مفهوم کنز از اهمیت برخوردار است عبارت است از: انباشتن، حبس مال و امتناع از جریان آن در اقتصاد جامعه و هدایت در مسیر تولید و برآوردن نیازهای افراد و جامعه.

ب) مصادیق کنز در عصر حاضر

در زمان معاصر روش‌های نگهداری پول و ثروت تغییر پیدا نموده و مصادیق آنها نیز بسیار گسترده است؛ از قبیل اسکناس، پول‌های مجازی و اعتباری، طلا و نقره، سهام شرکت‌ها، بورس و...، بنابراین مصادیق کنز در زمان معاصر بر مبنای تغییر انواع و اشکال ثروت و پول، گوناگون خواهد بود.

با این وجود، در زمان حاضر که نهادهای مانند بانک‌ها و سایر بنگاه‌ها و موسسات پولی و اعتباری، زمینه‌ها و بسترهای مناسب برای سرمایه گذاری فراهم نمایند، می‌توان

گفت این نهادها در دوره معاصر از ضروریات است و می‌تواند برای ساماندهی به مناسبات اقتصادی و ارائه خدمات به شهروندان و داشتن نقش مفید و موثر در اقتصاد، دیگر مصداق کتز نخواهد بود. بنابراین آنچه مهم است ایفای نقش مفید و موثر در اقتصاد جامعه و شهروندان است که ملاک کتز بودن را تعیین می‌نماید. اما اگر بانک‌ها و دیگر موسسات و بنگاه‌های اقتصادی، بستری برای ترویج و گسترش ربا و تجمع سرمایه شدند، و هیچگونه خدمات اقتصادی و تولیدی در آن نباشد و تمام منافع و سودها و راه‌ها را به سمت سرمایه‌داران هدایت نماید، همچنانکه در بانک‌های ربوی به وضوح مشاهده می‌شود. امروزه، از طریق بانک‌های ربوی، هم ربا خواران سود گزاف می‌برند و هم سرمایه‌گذاران که از بانک‌ها اعتبار دریافت می‌نمایند. رباخواران، از راه سود ناشی از ربای پول خود، صاحب ثروت کلان می‌وند؛ بدون اینکه در معرض خسارت قرار گیرند و سرمایه‌گذاران، از راه اعتبارات کلانی که با زد و بند، از بانک‌ها دریافت می‌کنند، با سرمایه‌گذاری‌های بزرگ، سودهای کلانی دریافت می‌دارند» (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰: ۴۲۶).

ذخیره پول نقد و اسکناس و خروج آن از چرخه تولید

در صورتی که منابع ثروت، اعم از پول نقد و سایر دارایی‌ها، به صورت راکد ذخیره شده و خارج از چرخه تولید و جریان اقتصاد جامعه باشد، از مصادیق کتز محسوب می‌شود. همچنین اگر صاحبان سرمایه و پول نقد و اسکناس بخواهند، منابع مالی شان را به صورت دائمی از این چرخه خارج نمایند هرچند این فرض نادر است، اما با مطالعه‌ی تاریخ می‌توان فهمید، کسانی بوده‌اند که صرفاً پول را به خاطر پول‌بودن دوست داشته‌اند و صرفاً از جمع‌آوری آن لذت می‌برده‌اند خروج همیشگی پول نقد و اسکناس از جریان اقتصاد صورت خواهد گرفت.

اما بر اساس نظریه جدید اقتصاددانان، پول و سرمایه برای همیشه توسط افراد از جریان کل اقتصاد خارج نمی‌شود، بلکه افراد به دلیل رجحان نقدینگی، پول‌های شان را وارد بازار نمی‌کنند، تا آماده و حاضر باشد و در موقعیت و فرصت مناسب با معاملات سودآور از آن استفاده نمایند. اقتصاددانان که از آن تعبیر به «تقاضای سفته بازی» نیز

می‌کنند، این دگرگونی و تفاوت، اشاره به اصطلاح سنتی آن دارد که پول‌ها و سرمایه‌های انباشت شده در اصطلاح سنتی کنز، در جریان فعالیت‌های اقتصادی وارد نمی‌شد، لکن در تعبیر جدید آن این پول‌ها و سرمایه‌ها به این هدف نگهداری می‌شوند که بتوان از آنها در معاملات و موقعیت‌های سودآور استفاده نمایند.

بنابراین با توجه به این بیان، دیدگاه اقتصاددانان از مفهوم کنز، با آنچه در قرآن و روایات و علما و اندیشمندان است، مطابقت دارد. زیرا افراد پول نقد شان را که می‌خواهند از آن در موقعیت‌های مناسب استفاده نمایند، در بنگاه‌های مالی مانند بانک‌ها نگهداری می‌نمایند، اگر این بنگاه‌های مالی، بر اساس اصول و موازین مورد پذیرش اسلام و شرع، به جریان پول‌ها و منابع موجود در دسترس بپردازد و آنها را به جریان اقتصادی برگرداند، کنزی صورت نگرفته است و آن پول‌ها در واقع در اقتصاد و تولید تاثیر می‌گذارند.

گردش پول در راه حرام

از دیگر مصادیق کنز می‌توان، به گردش در آوردن پول در راه‌های حرام اشاره نمود (موسوی و عیسوی، ۱۳۹۴، ش ۲۱۸، ص ۷۴). از الزاماتی که در دین مقدس اسلام به آن تاکید شده است، کسب روزی حلال است.

نظام‌های اقتصادی جهان معاصر، انسان را در انتخاب کار و کسب مال به طور کلی آزاد می‌گذارند و به وی اجازه می‌دهند؛ هم از راه‌های صحیح و هم از راه‌هایی مثل رباخواری، قماربازی، احتکار، بازار سیاه و... به جمع‌آوری ثروت بپردازند، بدون آنکه به پیامدهای اجتماعی و اخروی آن بیندیشند. بدیهی است این نوع برخوردها مشکلاتی همچون تکاثر و مفاسد اخلاقی و سیاسی را در پی دارد؛ در چنین جامعه‌ای، زندگی مشکل و توان فرسا می‌شود و انسانیت منحط، و ارزشهای انسانی سرکوب می‌گردد.

درآمدهای حرام

کسب درآمد از راه ارائه برخی خدمات و داد و ستد بعضی کالاها، ممنوع و حرام است و در اصطلاح فقهی به این منابع درآمد، مکاسب محرمة گفته می‌شود. برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- خرید و فروش چیزهایی که عین نجس‌اند؛ همچون شراب، خوک و سگ (غیر شکاری) مگر خون و مانند آن که داد و ستدش منافع عقلایی دارد.
 - ۲- خرید و فروش ابزاری که فقط در راه حرام کاربرد دارد مانند آلات قمار.
 - ۳- کسب درآمد از راه‌هایی چون؛ غنا و آوازه خوانی‌های متناسب با مجالس لهُو و لعب، جادوگری، ساختن مجسمه موجودات جاندار و تألیف، چاپ و انتشار کتاب‌های گمراه کننده.
 - ۴- فروش اسلحه جنگی به دشمنان دین.
 - ۵- فروش یا اجاره دادن اجناسی برای استفاده در راه حرام؛ مانند فروش انگور برای تهیه شراب.
 - ۶- گرفتن اجرت برای انجام کاری که بر انسان واجب عینی یا کفایی است. گفتنی است گاهی اوقات در راستای کسب حلال، انسان بدون توجه گرفتار حرام می‌شود. مانند دریافت هدیه که در برخی مواقع رشوه است و مانند برخی سرمایه گذاری‌ها که در واقع ربا است.
- گردش ثروت در راه مباح، با وجود دستور شارع برای مصرف در جای دیگر**
- اگر کسی پول یا مالی را در کار مباح یا مستحب به کار گیرد، در صورتی که بر اساس احکام اولیه یا ثانویه، شارع مقدس دستور مصرف آن مال را در موارد ضروری داده باشد؛ مانند اینکه در شرایط بحرانی و موقعیت‌های حساس که حکومت اسلامی در خطر است، افراد هرچند واجبات مالی خویش را پرداخت کرده باشند، اما بازهم حکومت اسلامی به منابع مالی نیاز داشته باشد، در اینصورت فرد اگر پول خویش را صرف کار مباح نماید، اما جامعه اسلامی و نظام اسلامی به نقدینگی نیاز داشته باشند، این نیز یکی از مصادیق کتز، خواهد بود.

نتیجه‌گیری

«کنز» به معنای انباشتن، راکد گذاشتن و جمع کردن است و اختصاص به طلا و نقره ندارد بلکه هر نوع مالی که به اینصورت انباشت و جمع شود، مصداق کنز خواهد بود. در جای‌جای قرآن کریم، نیز که بیشتر به جنبه‌های منفی اشاره دارد، با کاربردهای گوناگون استفاده مشاهده می‌گردد. این اشتقاق‌ها با عبارات: یکنزون، کنزتم، تکنزون و گاهی نیز به صیغه اسم مصدر و گاهی نیز به صورت جمع (کنوز) آمده است. در علم اقتصاد به مفهوم جمع کردن زیاد و غیرمتعارف دارایی و پول، نگهداشتن آن به صورت راکد و عدم استفاده مفید که موثر در رفع نیازهای حکومت اسلامی و جامعه باشد، آمده است. بررسی آراء و نظرات مفسرین قرآن کریم در منظور شناسی و مصداق یابی اکتناز در آیه «احبار» نشان می‌دهد، در این مورد اختلاف دیدگاه زیاد وجود دارد. با توجه به این دیدگاه در مورد معیار گنج اندوزی سه دیدگاه مهم برای معیار اکتناز وجود دارد: بازداشتن ثروت از جریان در اقتصاد و بازار مالی مسلمانان، اندوخته‌ای که زکات و حقوق مالی آن پرداخت نشده، گردآوری ثروتی که جامعه به انفاق آن نیاز داشته باشد.

در مورد مصادیق کنز نیز می‌توان گفت که در عصر تشریع از دیدگاه قرآن کریم و روایات، خارج نمودن پول و ثروت و طلا و نقره از مسیر مرضی خداوند تبارک و تعالی، کنز محسوب می‌گردد و خداوند مردم را از آن نهی فرموده است. در عصر حاضر نیز با توجه به تغییر اشکال ثروت و دارایی، مصادیق آن نیز بر مبنای تغییر انواع و اشکال ثروت و پول، گوناگون خواهد بود. اما مهم ترین مصادیق آن را می‌توان از ذخیره پول نقد و اسکناس و خروج آن از چرخه تولید، گردش پول در راه حرام و... دانست.

فهرست منابع

❖ قرآن

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، تصحیح جمال الدین میردامادی، دارالفکر، بیروت.
۲. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۹)، پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه داری، توانگران، تهران.
۳. حسینی، سیدجعفر، قاضی زاده، محمد (۱۳۷۰)، اقتصاد در فقه اسلامی، دارالکتب الاسلامیه، قم.
۴. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۹)، تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد، معرفت اقتصادی، سال اول، ش ۱.
۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۹۰)، پول در اقتصاد اسلامی، سمت، تهران.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، بیروت.
۷. زیدان، عبدالفتاح قعدان (۱۹۹۷)، منهج الاقتصاد فی القرآن، موسسه الرساله و دارالبشیر، بیروت.
۸. سیدکاظم صدر (۱۳۷۸)، اقتصاد صدر اسلام، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۴)، الاتقان فی علوم القرآن، موسسه انتشارات امیر کبیر، تهران.
۱۰. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۹، چاپ اول، قم.
۱۱. صدر، محمدباقر (۱۳۷۵)، اقتصادنا، مکتب الاعلام الاسلامی، بوستان کتاب، قم.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طبرسی، ابی الفضل علی (۱۳۸۵)، مشکاه الانوار فی غرر الاخبار، دار الکتب الاسلامیه.

۱۴. طبری (۱۴۱۲)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، چاپ اول، بیروت.
۱۵. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴)، الأمالی (للطوسی)، چاپ اول، قم.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، ج ۳، چاپ چهارم، تهران.
۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت.
۱۹. مشهور، امیره عبداللطیف، الاستثمار فی الاقتصاد الاسلامی، مکتبه مدبولی، القاهرة، بی تا.
۲۰. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
۲۱. موسوی، سید محمد علی و محمود عیسوی (۱۳۹۴)، تحلیلی نوین از آیات کنز، نشریه معرفت، ش ۲۱۸.
۲۲. یوسف حامد العالم (۱۹۷۵)، النظام السیاسی و الاقتصادی فی الاسلام، دارالقلم، بیروت.